

است که این ایده چقدر توانسته در فضای ایرانی بازطراحی و بومی سازی شود. بنابراین خود ایده به نظرم نقطه قوت است، ولی میزان ایرانی شدن و فاصله گرفتن از اثر اصلی است که محل بحث قرار می گیرد.

○ روند بازجویی ها و نحوه پیشبرد هر پرونده را از نظر ایجاد تعلیق و غافلگیری چطور ارزیابی می کنید؟

حالا اگر کمی از این فضای مثبت فاصله بگیریم، یک سری ایرادات در سریال وجود دارد که باعث می شود محل مکث و بحث باشد؛ ایرادهایی که یک جوهرهایی ممکن است به ذوق موافقان و دوستداران سریال بزند و نگذارد آن را به یک سریال منحصر به فرد، حالا نمی گوئیم بی نقص، بلکه کم نقص تبدیل کند.

یکی از چیزهایی که وجود دارد و به نظرم خیلی هم مهم است، بخش روند بازجویی هاست، ببینید، روند بازجویی ها به شکلی است که در وهله اول مخاطب می داند که در پایان، یعنی بعد از قسمت دوم، فکر کنم دیگر مطمئن است که این فرد اعتراف می کند و ماجرا در همین قسمت تمام می شود.

ممکن است این توجیه به وجود بیاید که ما دنبال چه چیزی هستیم؟ دنبال چگونگی آن هستیم. بله، این همان مسیر است که مثلاً هیچکاک دنبال می کرد و ما می خواهیم همین کار را انجام دهیم. اما به نظر می رسد این مسئله یک مقدار باگ باشد و در این فضا محل بحث قرار بگیرد که وقتی مخاطب به این نقطه می رسد، از آن ذوق زدگی گرفته می شود. به هر حال مسیر خیلی مهم نیست و مخاطب متوجه می شود که این مسئله حل می شود. این یک مسئله ای است که پیرامون سریال وجود دارد و به نظرم تا حدی چالشی است و می شود آن را به عنوان نقد مطرح کرد. مسئله دوم در مورد این مسیر برمی گردد به اینکه هرچقدر جلوتر می رویم، شاهد این هستیم که ایرادات و باگ هایی در شخصیت پردازی و پردازش داستان، تعلیق، پرداخت و آن روند وجود دارد؛ به طوری که برخی قسمت ها و برخی بخش ها را کاملاً می توانیم حذف کنیم و به نظر اضافه می آیند.

مثلاً این تجربه را داشته باشد که آقای ثانی فر، پلیس داستان، جدایی از همسرش را تجربه کرده؛ این ها می توانست یک چیزی باشد که مثلاً بازندگی شخصیتی که از او بازجویی می شود مرتبط باشد.

ما در این اپیزود می بینیم که یک هم پوشانی و هماهنگی بین داستان آدم ها و داستان شخصیت ها، یعنی داستان کسانی که از آن ها بازجویی می شود به وجود می آید و این خیلی نکته مهمی است. اما الان تقریباً دارد به باگ تبدیل می شود. یک بخش برای خودش می رود جلو و توضیح می دهد و شروع می کند شخصیت ها را توضیح دادن و این یک بخش دیگر است و انگار که دو چیز جداگانه هستند.



بهزاد زهرایی، منتقد

سینما:

«اعتراف می کنم»؛ یک تریلر پلیسی است

○ می خواهم درباره ژانر این سریال بپرسم. به نظر شما «اعتراف می کنم» یک سریال جنایی است یا بیشتر با ترفندها و مفاهیم روان شناسی سروکار دارد؟

اجازه بدهید درباره ژانرشناسی یک توضیح بدهم؛ چون متأسفانه این مقوله های نظری سینما در کشور ما همیشه مغفول و گمنام بوده اند.

وقتی موضوعی داریم که در رابطه با قتل و اتفاقات این چنینی است، می خواهم به طور کلی واژه ها را درست به کار ببرم. اگر ما موضوع را از دید کارآگاه دنبال کنیم، مثل شرلوک هلمز یا پوارو، سریال تبدیل به یک اثر کارآگاهی می شود. همه اینها هم زیر ژانرهای مختلفی دارند.

اگر از دید مقتول یا قاتل به ماجرا نگاه کنیم، مثل سریال «تو» که در آمریکا بیشتر دیده شده، در واقع داریم قاتل را دنبال می کنیم که آدم می کشد و اتفاقات مربوط به او را می بینیم. در این حالت، ژانر سریال جنایی می شود؛ یعنی ما ماجرا را از دید جانی دنبال می کنیم و باید با او همراه شویم. این سریال یک ماجرا و کشمکش دارد که آن را تریلر هم محسوب می کنیم. در واقع، سریال «اعتراف می کنم» یک تریلر کارآگاهی یا پلیسی است.

اگر کارآگاه آن شرلوک هلمز یا مثلاً پوارو باشد، کارآگاهی خصوصی محسوب می شود. اگر پلیس رسمی در آن حضور داشته باشد، تبدیل به یک اثر پلیسی می شود؛ مثل آثار دیوید فینچر. بنابراین اگر بخواهیم از لحاظ ژانرشناسی درست بگوئیم، «اعتراف می کنم» یک تریلر پلیسی است. حالا درباره اینکه آیا روان شناختی هم هست یا نه، باید بگویم که در گذشته مرزهای این ژانرها خیلی پررنگ تر بودند و اختلاط ژانر کمتر داشتیم. مثلاً یک فیلم فقط عاشقانه



سریال
«اعتراف می کنم»
زیر ذره بین میز نقد
صبحا



محمد تقی زاده، منتقد

سینما:

«اعتراف می کنم»؛ از تعلیق تا گسست روایت

○ اولین مواجهه شما با سریال «اعتراف می کنم» چگونه بود؟ به نظرتان سریال از همان ابتدا چه تصویری از خودش ارائه می دهد؟

در ابتدا وقتی در نوشتار اولیه سریال، با «Criminal» نتفلیکس مقایسه می شود. از همان لحظه، به نظرم یک دو قطبی موافق و مخالف درباره سریال به وجود می آید. این را از بازخوردها هم می توان فهمید.

○ مهم ترین انتقادهایی که درباره سریال مطرح شده، بیشتر حول چه موضوعی است؟

بحث این پیش می آید که سریال چقدر ایرانی شده و چقدر تقلیدی باقی مانده است. به نظرم این یکی از بحث های اصلی درباره «اعتراف می کنم» است. طبیعتاً وقتی یک سریال با یک اثر خارجی مثل «Criminal» مقایسه می شود، این سؤال پیش می آید که سازندگان چقدر توانسته اند آن ایده را بومی کنند و چقدر صرفاً از روی نمونه خارجی الگوبرداری کرده اند.

○ گروه تولید «اعتراف می کنم» را چطور می بینید؟ حضور یک سری از بازیگران و کلیشه زدایی از بعضی شمایل، به نظرم نکته مثبتی است. مشخص ترین نمونه اش پوریا پور سرخ است. انتخاب پوریا پور سرخ برای این نقش، از نظر کسبیتینگ نکته حائز اهمیت محسوب می شود و به نظرم اتفاق جالبی است.

○ درباره مهدی هاشمی چطور؟ حضور ایشان را چطور ارزیابی می کنید؟

حضور مهدی هاشمی به نظرم مهم و تأثیرگذار است. ایشان یکی از بهترین بازیگران سینمای ایران است و به خاطر تنوع نقش هایی که بازی کرده، تقریباً هر نقشی به او بدهیم، از عهده اش برمی آید. حضورش در این سریال هم مهم است. البته مهدی هاشمی از آن بازیگرهایی است که حتی وقتی نقشی را تکرار می کند، باز هم می تواند جذاب باشد.

○ اگر بخواهید مهم ترین نقاط قوت «اعتراف می کنم» را جمع بندی کنید، به چه مواردی اشاره می کنید؟

فکر می کنم سه چیز مهم است؛ یکی بحث اپیزودیک بودن و ساختار جداگانه سریال است که باعث می شود هر قسمت ماجرای خودش را داشته باشد و جذاب باشد. دوم، بازیگران و انتخاب های کسبیتینگ و به خصوص کلیشه زدایی از بعضی شمایل است. سوم هم خود ایده سریال است؛ اینکه یک سریال خارجی را گرفته و این ایده را وارد فضای ایرانی کرده است. البته همین مورد آخر هم محل بحث است و هم می تواند نقطه قوت باشد و هم نقطه ضعف.

○ به نظرتان خود این ایده که یک سریال خارجی مینا قرار گرفته، می تواند برای «اعتراف می کنم» یک امتیاز محسوب شود؟

به هر حال ایده جالب است. اینکه شما یک فرمت موفق خارجی را بگیرید و بخواهید در فضای خودتان اجرا کنید، فی نفسه می تواند جذاب باشد. بحث اصلی این

همه چیز از

یک اعتراف

شروع می شود

اعتراف، پایان ماجرا نیست

«سریال «اعتراف می کنم» با ساختاری

متفاوت و روایت پرونده های جنایی در فضای بازجویی، از جمله آثار متفاوت شبکه نمایش خانگی به

شمار می رود؛ اما در کنار این تفاوت، درباره نحوه شکل گیری تعلیق، پیش بینی پذیر شدن روند روایت، کیفیت کارگردانی و بازی ها و چگونگی پرداخت به شخصیت ها نیز نقدهایی مطرح شده است. محمد تقی زاده، عباس نصراللهی و بهزاد زهرایی در گفت و گو با ما، ضمن بررسی نقاط قوت و ضعف این سریال، از ایده متفاوت آن، انتخاب بازیگران، ساختار اپیزودیک و چالش های روایت در فضای محدود گفته اند.

زهرای طاهریان

گفت و گو

